

## جنگ المان و شوروی

موقعیت‌هایی که روسها در مرکز بدست آوردند کافی نبود که آلمانیها را از دو جناح بعقب‌رانند.

تا کنیک جنگی آلمانیها این بود که کلیه نیروی مکانیزه و هوایی چندین ارتش را در یک نقطه معین که قبلاً انتخاب شده بود تمرکز دهند. ایجاد یک چنین مبداء حمله قوی شبیه روش جنگی مارشال بودیونی،<sup>(۱)</sup> در جنگ روسها بر علیه لهستانیها در ۱۹۲۰ بود. این مارشال کلیه سربازان سوار را بزیبان سایر نقاط جبهه در یک نقطه جمع نمود و از این حمله موفقیت زیادی بدست آورد. در این جنگ آلمانیها با استعمال روش جنگی دشمن خود متوسل شدند.

در این موقع، تا کنیک اسفنجی، روسها در مقابل آلمانیها بهیچوجه موثر نبود. آلمانیها در ضمن عدم موفقیت‌های اولیه خویش تجربیاتی بدست آورده و با مسافت‌های زیاد و عاری از هدف‌های کوچک (که در فرانسه وجود داشت) خود گرفته بودند.

هر گاه جنگ در فرانسه را با جنگ در روسیه مقایسه نمایم می‌بینیم که در روسیه مشکلاتی بوجود آمده که آلمانیها در موقع تهاجم بهیچوجه انتظار مواجه شدن با آنرا نداشتند. لکن از طرف دیگر تلفات زیادی بر روسها وارد آمده بود و موضوعی که وضع روسها را وخیم‌تر می‌ساخت عقب نشینی بی‌دری آنان بود زیرا تلفات ارتشی که در حال عقب نشینی است همواره بیشتر از تلفات نیروی مهاجم میباشد.

در عین حال باید دانست که آلمانیها هم پیروزی را به بهای هنگفتی خریداری مینمودند. برای تعیین آنکه حصول پیروزی تاچه اندازه برای آلمانیها گران تمام شد اطلاع صحیحی در دست نیست و شاید هرگز هم بدست نیاید زیرا ارقامی که آلمانیها انتشار میدهند بهیچوجه قابل اعتماد نیست و وضع حقیقی جنگ را آشکار نمیسازد.

آلمانیها همیشه دارای این امتیاز بوده اند که گذشته از نقشه اصلی استراتژیکی نقشه های فرعی دیگری که بتواند جانشین نقشه اصلی شود داشته اند. در مغز جوانترین سرباز آلمانی تا حسن ترین افسر فرمانده لشکر در نتیجه تعلیم این موضوع رسوخ یافته بود که در جنگ باید همیشه سه اصل را هدف خود قرار داد:

۱ - غافلگیری ۲ - حمله بجناب دشمن

۳ - حاضر داشتن نقشه ثانوی و بکار بردن آن در صورت عدم موفقیت نقشه اصلی. از این رو ضرباتی را که آلمانیها وارد میآوردند بی دربی و نقاط حمله متغیر بود. در آغاز جنگ هدف اصلی آلمانیها مرکز جبهه روسها بود سپس حمله در جنوب یعنی در جناح راست آلمانیها آغاز گردید. پس از آن حمله بسوی ولنین گراوه در شمال یعنی در جناح چپ آلمانیها بمورد عمل گذارده شد. بار دیگر جنوب مورد حمله آلمانیها قرار گرفت و روسها تلفات بی نهایت سنگینی دادند. همینکه در جنوب آلمانیها موفق باحرارز موفقیت شدند امید بدست آوردن چاههای نفت قفقاز دوباره در قلب آنان جای گرفت. چون فصل مساعد و وسائل ارتباطی آلمانیها برقرار و بلاخره تمایل رسیدن بچاههای نفت خاور میانه تقویت یافته بود لذا آلمانیها پیشروی در جنوب روسیه را ادامه دادند. در این موقع حمله دیگری بر مرکز جبهه روسها آغاز گردید. بطور خلاصه نقشه های استراتژیکی آلمانیها دنباله استراتژی جنگ ۱۸-۱۹۱۴ بود که از آن تعالیم مفیدی بدست آورده بودند. در این موقع چنین بنظر میرسید که منابع جنگی آلمانیها بحدی رسیده که برای حمله بیک نقطه معین محتاج بحمل نیرواز سایر نقاط نمیباشند. یعنی در هر نقطه ای که مایل بانجام حمله بودند میتوانستند نیرو و مواد جنگی کافی تمرکز دهند.

## ۷ - پیشروی آلمانیها در روسیه

شرح عملیات جنگی در جبهه روسیه امروزه نه تنها بطور کامل بلکه بطور نسبتاً صحیح نیز بینهایت دشوار و از حد امکان خارج است. در چند روز اول جنگ طرفین متخاصم اعلامیه هائی منتشر ساختند که تا اندازه ای قابل اعتماد بود لکن رفته رفته تغییر غریبی در ماهیت اعلامیه ها بوجود آمد. آلمانیها که اعتماد اولیه خود را تا حدی از دست داده بودند به پنهان نمودن اطلاعات مهم نظامی پرداخته و نه تنها در موفقیتها نیکه بدست میآوردند بحد اغراق میبایدند بلکه در تلفاتی که بروسها وارد میاورند نیز راه مبالغه می پیمودند از طرف دیگر روسها هم چون مایل بودند خود را در مقابل جهانیان چون بی گناهی که فدای تهاجم وحشیانه آلمانیها قرار گرفته جلوه دهند از افشاء حرکات نظامی خود داری مینمودند، بنا بر این چگونگی جنگ در جبهه روسیه را نمیتوان بهیچوجه بر اساس اظهارات رسمی طرفین قرار داد.

نقشه اصلی آلمانیها حمله قوی بوسیله نیروی زرهی بمرکز جبهه شوروی یعنی بسوی «مینسک»<sup>(۱)</sup> و از آنجا بمسکو بود. در همین موقع اگرچه ارتش آلمان در شمال روسیه بحمله پرداخت معینا حمله در شمال از نقطه نظر شدت ضعیفتر از حمله در مرکز بود. در آغاز حمله تقریباً نیمی از ولایتوانی، بسرعت اشغال شد و یک لشکر زره پوش از «کولاس»<sup>(۲)</sup> عبور نموده بسوی «ویلنا»<sup>(۳)</sup> به پیشرفت پرداخت. در قسمت جنوب یک ستون آلمانی بسوی «بارانویچی»<sup>(۴)</sup> شروع به پیشروی نمود و ستون دیگری از جنوب با اطلاقیهای «پریت» بحمله به «کیو» پرداخت. در حالی که جناح راست این ستون متوجه «لوو»<sup>(۵)</sup> بود بدین ترتیب دو حرکت گازانبری ایجاد شد. یک حرکت گازانبری در شمال در اطراف «بیلیستوک» بمنظور محاصره نمودن نیروی شوروی واقع در آن نقطه بوجود آمد. حرکت گازانبری

۱ - Minsk

۴ - Baranovichi

۲ - Kaunas

• - Lwow

۳ - Vilna

دیگری در جنوب برای ایجاد شکاف در جبهه شوروی ما بین لوو، و بو کووینا، بود که طبق نقشه قرار بود دو ستون زره پوش در نقطه ای واقع در خاور لوو، و بو کووینا، بایکدیگر تلاقی نمایند. تلاقی این دو ستون در نتیجه مقاومت سخت ارتش سرخ در لوو، که راجع به چگونگی آن هیچگونه اطلاعی در دست نیست اندکی بتمویق افتاد.

بنا بر این نقشه اصلی آلمانیها تقسیم جبهه روسیه بسه منطقه وسیع بود. چنین بنظر میرسید که در جنوب نقشه آلمانیها دست یابی با نظرف رودخانه های پروت، (۱) و دنیستر، (۲) و بدین ترتیب درهم شکستن جبهه جنوبی روسها بود. همانطوری که بعداً خواهیم دید این مانورا گرچه بامو ثقیب سربع مواجه نگر دید ممهذا موجبات زاحمت روسها را فراهم آورد.

در روزهای اول ماه ژوئیه ارتش آلمان کلیه کشورهای بالتیک را اشغال نمود. در حالیکه نیروی مرکزی آلمان از مینسک، گذشته بسوی اسمولنسک، مشغول پیشروی بود. در اینموقع در پشت واحدهای زره پوش جلوداران آلمانی که مشغول پیشروی بودند در جبهه مینسک - بیالیستوک، جنگ شدت ادامه داشت. آلمانیها ادعا نمودند که برودخانه، برزینا، (۳) رسیده و در شمال موفق باشغال ریکا، شدند. در جبهه جنوبی پیشروی آلمانیها بسوی کمی یو، در نتیجه مقاومت سخت روسها متوقف شده بود.

در اینموقع به آلمانیها ثابت گردید که شکست روسها دشوارتر از آنست که آنها در ابتداء تصور نموده بودند و مخصوصاً آلمانیها در گزارشهای خود از خوبی اربابه های جنگی و هوا پیمای روسی رفته رفته شروع باظهار تعجب نمودند.

از مدت زمانی پیش عقیده ناموافقی راجع بارزش نظامی ارتش روس در دماغ آلمانیها رسوخ نموده بود این عقیده در ۱۹۰۴-۵ یعنی در جنگ روس و ژاپن بوجود آمد که در نتیجه ایمان غریبی راجع بعدم ارزش نظامی سربازان

۱ - Pruth

۲ - Dniester

۳ - Beresina

روسی البته نه از نقطه نظر تهور بلکه از لحاظ کفایت فنی، لیاقت افسران ارشد در اداره کردن نیرو های خود در میدان جنگ و صحت عملیات ستادی آنها در آلمانیها ایجاد شد.

جنگ ۱۸-۱۹۱۴ آلمانیها را در عقیده خود راسختر نمود بطوریکه از ۱۹۲۰ ببعد هرگونه اظهار نظری که در آلمان راجع بنیروی زمینی و هوایی سرخ در روز نامه ها و کتابها داده شد بطور کلی بر علیه روسها بود. تا چه اندازه این عقاید راجع بارتش روس مقرون بصحت میباشد از چگونگی عملیات جنگی در چند روز اول جنگ معلوم میشود. در این چند روز ثابت شد که فرماندهی و قدرت اداره روسها از جنگ ۱۸-۱۹۱۴ بمراتب بهتر میباشد اگر چه فرماندهان هنگ و گردان هنوز در عمل فرماندهی نسبتاً ضعیف بودند و ضمناً کندی حرکت یکی از عیوب برجسته برخی از قسمتهای ارتش سرخ را تشکیل میداد معیناً عیوب نامبرده بقدریج مرتفع گردید. پس از آنکه آلمانیها بخاک شوروی حمله نموده و بارزش سربازان روس بی بردند سخت در شکست افتادند.

روز نامه «فلکیشه شو باختر» (۱)، در ماه سپتامبر ۱۹۴۱ چنین نکاشت:

- «در موقع عبور ارتش آلمان از «بوگک» دسته های حمله کننده اولیه، موفق شدند که با سانی پیشروی نمایند لکن طولی نکشید که بقتلاً آتش مهلکی»
- «بروی دسته های حمله کننده باز شد در حالیکه دسته های حمله کننده»
- «اولیه از عقب نیز در زیر آتش قرار گرفتند. در اینجا باید انضباط فوق العاده»
- «و قابل تمجیدی را که بوسیله آن مدافعین توانستند موضعی را که تقریباً از دست رفته بود نگاهداری نمایند مورد تحسین قرار داد.»

اگر چه این حادثه کوچکی در جبهه جنگ بود لکن از این حادثه و نظایر آن میتوان بی برد که قدرت و ارزش نظامی سربازان سرخ بمراتب بهتر و بالاتر از سربازان روس در جنگ گذشته است.

چون آلمانیها ارتش روس را برخلاف انتظار خود دیا فتنه ماشین تباستانی آنان در هفته اول ماه ژوئیه بوجه اغراق آمیزی شروع بمالیدن نمود و موقیعت هائی را که ارتش آلمان بدست آورده بود بیش از ارزش حقیقی آن جلوه داد. عجب آنجاست که «کلاوزویتس (۱)» در صد سال قبل موقعیکه در اطراف زوال ناپلئون تفکر مینمود نظیر یک چنین موقعیتی را تشریح نمود. او می گوید :

«نیروی مهاجم ممکن است بداخله خاک دشمن رسوخ نماید و دشمن را»  
 «بعقب راند لکن بزودی متوجه میگردد که حصول پیروزی خود خطر بزرگی»  
 «در بر دارد. همینکه با این حقیقت رو برو شود فرمانده نیروی مهاجم از آن»  
 «پس چنین نشان میدهد که تصمیم اصلی خویش را اجرا نموده و کاری جز بدست»  
 «آوردن نتایج آن نمانده است و چنین وانمود میکند که دشمن از جنگ هراسان»  
 «است ولی خود هر روز و هر لحظه مشتاق بادامه آن میباشد. این بهانه هائی»  
 «است که فرماندهان کل پیادشاه، سربازان و در حقیقت بدنیا ارائه میدهند»  
 «لکن دلیل اصلی و حقیقی آنست که دشمن فوق العاده قوی میباشد.»

بالاخره در روز پنجم ماه ژوئیه جناح راست ارتش آلمان بتصور آنکه کوشش اصلی روسها متوجه مرکز گردیده است بشدت شروع بحمله نمود در نتیجه روسها اعتراف نمودند که ارتش آلمان موفق بعبور از رودخانه پروت، گردید. در ظرف چند روز بعد از اعلامیه هائی که طرفین صادر مینمودند هیچگونه اطلاعی راجع بجزریان حقیقی جنگ بدست نیامد. در مرکز چنین بنظر میرسید که آلمانیها از شدت حمله خود کاسته اند لکن در قسمت جنوب ستونی که متوجه کمی یوه بود سخت مشغول پیشروی بود. در جبهه شمالی روسها موفق شدند که حمله آلمانیها را در حوالی دلیل، دفع نمایند.

در روز دهم ژوئیه آلمانیها اعلام داشتند که جنگ در حوالی «مینسک» و «بیالیتسوک» پس از وارد آوردن تلفات سنگین بر روسها بپایان رسیده است لکن



به تلفات خود به پیچوجه اشاره ای ننمودند. در اینموقع آلمانیها ادعا نمودند که خط استالین، را که در داخل روسیه قرار گرفته بود مورد حمله قرار داده اند. حمله به خط استالین، چندین روز بطول انجامید و در نتیجه تلفات سنگینی بطرفین وارد آمد. پیشرفت آلمانیها در تمام نقاط جبهه بکندی صورت میگرفت و اعلامیه های ارتش آلمان به حملات متقابل روسها اشاره مینمود. در روز هیجدهم ژوئیه آلمانیها ادعا نمودند که اسمولنسک را در روز شانزدهم ژوئیه بتصرف خود در آورده اند. معلوم نیست که آیا در این روز ارتش روس اسمولنسک را تخلیه نمود یا آنکه ارتش آلمان موفق بحمله باین شهر گردید. برای رسیدن بمسکو نیروی آلمان در سه نقطه یعنی در مرکز و در دو طرف اسمولنسک، شروع بتمرکز نیرو نمود لکن موفق به پیشروی نکردید. در این موقع که پنج هفته از آغاز جنگ گذشته بود از انهدام ارتش سرخ که آلمانیها راجع بآن در اعلامیه های خود سخن میگفتند به پیچوجه اثری نبود.

در روز دوشنبه بیست و یکم ماه ژوئیه برای آن که روسها خط دفاعی خود را مستقیم سازند بسارایی، را تخلیه نمودند. لکن جنگ هنوز در حوالی اسمولنسک ادامه داشت که تا پایان ماه ژوئیه بطول انجامید و چنین بنظر میرسد که پیشروی آلمانیها در این نقطه بدون شک متوقف گردیده است. باوجود این ارتش آلمان برای رسیدن بمسکو در این نقطه مشغول تهیه وسائل و مقدمات بود.

در آغاز ماه اوت آلمانیها بیک سلسله حملات نوینی پرداختند. در شمال ارتش آلمان به پسکوه (۱) و ایلمن (۲) رسیدند و در جبهه او کرانی. یک ستون آلمانی کاهنتس (۳) و پودلسک (۴) را مورد حمله قرار داد و این حرکت پیشروی آنان را بسوی بسارایی، آسانتر ساخت.

در این موقع دومین حمله بزرگ آلمانیها در شرف آغاز بود. در جبهه

۱ - Pskov

۳ - Kamenets

۲ - Ilmen

۴ - Podolsk

د اسمولنسک ، آلمانها موفق با ایجاد شکاف گردیده و برای توسعه آن از دو طرف کوشش فوق العاده ای مینمودند لکن یکی از مهمترین و خطرناکترین مانورهای ارتش آلمان در قسمت باختری ، اوگرانی ، انجام یافت . آلمانها ابتداء يك قسمت از نیروی خود را برای اشغال زمین واقع مابین رودخانه ، دنیستر ، و بوک ، بجلو اعزام داشتند و موفق شدند که خود را بسمت خاوری رودخانه بوک ، برسانند . ظاهراً پیشروی آلمانها بدون هیچگونه مقاومتی از طرف ارتش روس صورت گرفت . این موفقیت آلمانها موجب آن شد که از آن بی بعد ارتش آلمان پیشروی بداخله ، اوگرانی ، را هدف اصلی خود قرار دهد . در این قسمت از جنگ ارتش مارشال ، بودیونی ، ظاهراً غافل گیر شد بطوریکه آلمانها توانستند بسوی جنوب خاوری بسرعت به پیشروی پردازند و چون روسها بحملات متقابلۀ غلطی پرداخته بودند اذانی نمیتوانستند نیروی ذخیره خود را بکار برند . پس از آن ارتش آلمان بسوی شمال رودخانه ، بوک ، در قسمت واقع مابین این رودخانه و رودخانه ، دنیپر ، به پیشروی پرداخت لکن بجای آنکه متوجه ، کی یو ، گردد با کمال مهارت بسمت جنوب خاوری مشغول پیشروی شد . حمله ای که آلمانها بسوی پایتخت ، اوگرانی ، نمودند موقتاً دره کوروستن ، (۵) متوقف گردید .

در جبهه مرکزی حمله سخت آلمانها در حدود شانزدهم ژوئیه یعنی موقعی که ارتش آلمان وارد شهر مخروبه ، اسمولنسک ، گردید متوقف شد . در این شهر نیروی آلمان بقیه ماه ژوئیه و تمام ماه اوت و سپتامبر را بسر برد و اگرچه توقف در این شهر طولانی بنظر میرسید معیناً انتظار آن نمیرفت که حمله بسوی ، مسکو ، بکلی متروک شده باشد . حملات مختصر محلی در هر صورت در برخی از نقاط جبهه انجام میگرفت که منظور از آن نه فقط بهبودی وضعیت تا کتیکی بلکه برای آن بود که نیروی شوروی از این نقطه متوجه نقاط دیگر جبهه نگردد .







پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

مسئله‌ای که در اینموقع حل آن ستاد ارتش آلمان را بخود مشغول ساخته بود این بود که آیا باید دوباره حمله بسوی مسکو را تجدید نمود یا آنکه در جبهه مرکزی باید وضعیت دفاعی اتخاذ کرده نیرو را در جنوب برای حمله تمرکز داد؟ اشغال مسکو، چنان طعمه لذیذی بود که آلمانیها مصمم شدند بهر قیمتی شده است خود را بمسکو برسانند لکن از طرف دیگر احتیاج مبرمی بمنابع طبیعی، اوکرائنی، و قفقاز داشتند بنابراین ستاد ارتش آلمان تصمیم گرفت که در هر دو جبهه بحمله بپردازد. بعداً خواهیم دید موفقیت‌هایی که آلمان باین عمل پرخطر یعنی حمله شدید در دو جبهه در اودک زمانی مبادرت ورزد. بنابراین پس از چند روزی جبهه مسکو، تقریباً وضعیت آرامتری بخود گرفت در حالیکه قسمت جنوبی ارتش آلمان بسوی اوکرائنی، در حرکت بود.

در روز سوم ماه اوت آلمانیها در جبهه اوکرائنی، مجدداً بحمله پرداختند ابتدا، کوروستن واقع در ۱۰۰ میلی شمال باختری و سپس، بلایاتسراکو، (۱) در حدود ۵۰ میلی جنوب باختری، کی‌یو، را مورد حمله قرار دادند. پیشروی بسوی ادسا، هم در این موقع آغاز گردید.

جنگ اومان، (۲) واقع ما بین ادسا و کی‌یو، در دهم ماه اوت شروع شد. در سراسر هفته پس از آغاز حمله حرکات طرفین متخاصم سخت اسرار آمیز بود لکن بعداً معلوم شد که روسها باشکست بزرگی مواجه گردیده و نیروی آلمان و رومانی حلقه محاصره ادسا، راتنگتر میکردند. بالاخره ارتباط این شهر با خارج قطع گردید زیرا مارشال بودیونی، با ارتش خود بسوی باختر عقب نشینی نموده بود و در این موقع تردیدی نبود که تلفات سنگینی به نیروی شوروی در حوالی اومان، وارد آمده است.

در روز ۱۷ ماه اوت روسها پس از تخریب آنچه که ممکن بود بعداً مورد استفاده ارتش آلمان قرار گیرد ایستگاه دریائی « نیکلایو »<sup>(۱)</sup> را تخلیه نمودند و نیروی « بودیولی » بسوی خاور رودخانه « دنیپر » مشغول عقب نشینی گردید. در همین موقع آلمانیها سخت میکوشیدند تا بتوانند خود را به « لنین گراد » برسانند .

در ناحیه « گمل » نیروی آلمان بحمله پرداخت و فرماندهی ارتش آلمان ظاهراً قصد داشت که در جبهه شوروی ایجاد شکاف نماید و بدین ترتیب ارتش شکست خورده « بودیولی » را از ارتش « تیموشنکو » که در جبهه مرکزی قرار داشت مجزی سازد .

در روز بیستم ماه اوت روسها بقسمت خاوری « دنیپر » عقب نشینی نموده بودند که در نتیجه ارتباط مابین ارتش « تیموشنکو » و « بودیولی » ضعیف گردید. در عین حال فشار آلمانیها بر « لنین گراد » در شمال و « ادسا » در جنوب شدت مییافت . مقاومتی که روسها در ناحیه « گمل » ابراز داشتند آلمانیها را سخت در شکست انداخت و چنین بنظر میرسد که یکی از حمله‌های بزرگ آلمان در این ناحیه با عدم موفقیت مواجه گشته است . فشار بر « لنین گراد » دائماً در افزایش بود . اگر چه مرکز صنعتی بزرگ « دنیپر و پتروسک »<sup>(۲)</sup> پس از خراب شدن سد رودخانه آن بدست روسها تخلیه گردید معیناً در جبهه « دنیپر » مقاومت سخت روسها ادامه داشت . آلمانیها از طرف دیگر میکوشیدند که روسها را از « استونی » و جزایر « بالتیک » خارج نمایند .